

بررسی ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس

عبدالعلی زائری تمبکی^۱

غلامرضا جعفری نیا^۲

حبیب پاسلار زاده^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۶

چکیده

فقدان عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود.

با توجه به اهمیت بحث از احساس عدالت اجتماعی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بندرعباس می‌باشد که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و معادلات ساختاری Smart PLS استفاده شده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین دینداری ($P=0/36$) و تمامی ابعاد آن یعنی بعد اعتقادی دینداری ($P=0/42$)، بعد مناسکی دینداری ($P=0/37$)، بعد پیامدی دینداری ($P=0/32$)، بعد تجربی دینداری ($P=0/28$)، بعد شناختی دینداری ($P=0/24$) با میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲ استاد یار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

Jafarinia_reza@yahoo.com

۳ استاد یار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می‌دهد که دینداری بر احساس عدالت اجتماعی تأثیر متوسط داشته (۰/۵۰۱) و متغیر دینداری در مجموع ۰/۲۵ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: دینداری عدالت، احساس عدالت اجتماعی، شهر بندرعباس.

احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز می‌باشد. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو بُعد در نظر می‌گیرند از یک زاویه آن را در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی (عملکرد مسئولین و سازمانها) تقسم بندی می‌کنند و از بُعد دیگر آن را به عدالت توزیعی و رویه‌ای تقسیم می‌کنند. در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را مستحسن و نیکو می‌شمرد. عدالت به مثابه مفهومی، با سطح انتزاع بسیار بالا، از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است تا جایی که مباحثه درباره چیستی عدالت، به مثابه یکی از محوری‌ترین سئوالات فلسفه سیاسی، همچنان استمرار دارد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۵).

این باور همگانی وجود دارد که روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، قوانین و مقررات جامعه و همچنین نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشند. مقررات و الزامات اجتماعی آنگاه از مشروعیت برخوردارند، که یا با عدالت انطباق داشته باشند و یا براساس آن بوجود آمده باشند و بر مبنای آن نیز اجراء شوند. عدالت نه تنها در مورد فرد و کنش فردی؛ بلکه در مورد جمع و رفتار جمعی نیز معیار و ملاک است.

عدالت فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۱).

عدالت را می‌توان به عنوان بزرگترین هدف از تشکیل حکومت تلقی کرد و به قدری با اهمیت بوده و به سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها پیوند خورده که هیچ ملت و مکتب و اندیشمند سیاسی و اجتماعی آن را نادیده نگرفته و حتی حکومت‌ها و حکام سلطه جو نیز سعی بر آن داشته‌اند که ریاکارانه خود و نظامشان را متصف به آن دانسته و هدف خود را عدالت نمایند.

عوامل گوناگونی با احساس عدالت اجتماعی افراد در ارتباط هستند که یکی از مهم‌ترین آنها دینداری افراد می‌باشد. دین اصل وحدت بخش و زمینه مشترکی را فراهم ساخته و

به انسان اجازه می‌دهد تا با فائق آمدن بر تمایلات خودخواهانه‌شان و به خاطر عشق به هم‌نوعانشان فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کنند. دین منبعی برای ارزشهای اجتماعی است و بر گزینش‌های فردی و بسیاری از زمینه‌های زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و همچنین به عنوان تجلی روح جمعی و عامل همبستگی و یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۲).

عده‌ای از دانشمندان بر این باورند که بسیاری از متغیرهای سلامتی به وسیله باورهای دینی و مذهبی تبیین می‌شوند. در واقع مذهب یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار و شناخت به شمار می‌رود. آن‌ها معتقدند مذهب به انسان کمک می‌کند تا معنای حوادث زندگی مخصوصاً حوادثی را که مشکل‌زا هستند را درک کرده و باعث دلگرمی و خرسندی مطبوعی در روحیه او بشود و در نتیجه سلامت فردی و اجتماعی او را افزایش دهد (سواتزکی^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۱۲). داشتن مذهب موجب ایجاد معنا، امیدواری، احساس کنترل، سبک زندگی سالم‌تر پذیرفته شدن از سوی دیگران و در نتیجه بالا رفتن احساس عدالت می‌گردد (خدارحیمی و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۵).

تعهد و تقید مذهبی سبب تعلق افراد به شبکه‌ای از اشخاص هم عقیده می‌گردد که می‌توانند در مواقع مورد نیاز به همدیگر کمک کنند. به این ترتیب با افزایش یافتن داشته‌های مشترک فردی و میزان حمایت اجتماعی، سلامت جسمی و اجتماعی افزایش می‌یابد؛ تعهد و تقید مذهبی به افراد کمک می‌کند تا چشم‌انداز مثبت و خوش‌بینانه‌ای راجع به زندگی داشته باشند و به این ترتیب، احساس عدالت آنها به حداکثر میزان ممکن افزایش می‌یابد (وازرمن و تروواتو^۲، ۲۰۰: ۴۴-۵۰).

بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی میزان احساس عدالت مسئله‌ای مهم و اساسی است و در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس می‌باشد. شهر تاریخی و با قدمت بندرعباس به عنوان یکی از استراتژیک و مهم‌ترین مناطق کشور محل سکونت اقوام، طوایف و مذاهب مختلفی است و علاوه بر افراد بومی تعداد زیادی مهاجر نیز در این شهر زندگی می‌کنند. شهر بندرعباس شهری متنوع از نظر قومی است. ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در این شهر بیشتر بر مؤلفه‌های زبانی، طایفه‌ای و مذهبی متمرکز می‌شود.

سکونت قومیت‌های مختلف در این شهر زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی - مذهبی و متأثر ساختن احساس عدالت اجتماعی فراهم آورده است. هرچند آمار دقیقی از احساس عدالت در شهر بندرعباس وجود ندارد و تاکنون پژوهش دقیقی در این مورد که بتواند آمار دقیق را نشان دهد انجام نشده است اما موضوع تنوعات قومی و مذهبی باعث شده است که در این شهر به نوعی هویت‌های مختلف قومی و دینی شکل گیرد و علاوه بر این با توجه بر نحوه توزیع امکانات نوعی احساس محرومیت و در نتیجه بی عدالتی در بین مردم شکل بگیرد. بدین ترتیب که به بسیاری از افراد این حس القا شده است که توزیع امکانات مناسب نیست و برای اقوام و مذاهب مختلف متفاوت است. با عنایت به اینکه کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشمگیر زبانی، مذهبی، قومی و نژادی باعث احساس بی عدالتی نگردد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند، لذا بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی و ارتباط دینداری با آن در شهر بندرعباس موضوعی قابل بررسی علمی می‌باشد. در عرصه داخلی و بین المللی در این عرصه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مهمترین آن‌ها ذکر می‌شود:

حیدری ساربان (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی (مورد شناسی: شهرستان اردبیل)» به انجام رساند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییانی است که در مناطق روستایی شهرستان اردبیل بالای ۱۵ سال سکونت دارند که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج نشان داد، مهم‌ترین عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه، شامل هفت مؤلفه (بازتوزیع درآمد و تقویت نظام حمایتی، سهولت دسترسی به منابع و امکانات و حمایت روان‌شناختی روستاییان، توسعه اجتماعی و عدالت فضایی و تقویت زیرساخت‌ها) است که مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده به وسیله این چهار عامل، ۷۲/۷۳ می‌باشد.

طالبان و میرحسینی (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک» به انجام رساندند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان احساس عدالت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان یا نسل سوم انقلاب

به انجام رسیده است. در این راستا، مهم‌ترین نظریات جامعه‌شناسی مرتبط با عدالت سیاسی اجمالاً مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت عدالت سیاسی با توجه به نظریه برابری سیاسی کلمن تعریف و شاخص‌سازی گردید. سپس با الهام از مباحث روانشناسی - اجتماعی، احساس عدالت سیاسی جزئی از نگرش سیاسی فرد تلقی گردید و در ادامه، متغیرهای مستقل تحقیق با استناد به نظریات جامعه‌پذیری سیاسی استخراج و فرضیات تحقیق ارائه گردید. این پژوهش به روش پیمایش و با نمونه‌های ۳۷۰ نفری از دانشجویان دانشگاه یزد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به انجام رسیده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ۹۳ درصد از پاسخگویان احساس عدالت سیاسی متوسط رو به پایین را تجربه می‌کنند. نوع دینداری فرد با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۴۷۶ بیشترین تأثیر را بر احساس عدالت سیاسی داشته است. همچنین تأثیر متغیر مستقل سوگیری ایدئولوژیک بر احساس عدالت سیاسی با ضریب ۰/۲۵ معنادار شناخته شد. در مجموع، متغیرهای مستقل تحقیق توانستند حدود ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی احساس عدالت سیاسی را تبیین کنند.

هزارجریبی (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)» به انجام رساند. جامعه آماری تحقیق شامل سه شهروندان منطقه ۳، ۱۰ و ۱۸ تهران است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای «اعتماد به کارایی مسئولین (با ضریب ۰/۵۷)، دینداری (با ضریب ۰/۲۰)، مقایسه خود با دیگران (با ضریب ۰/۱۶)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۰)» دارای تأثیر افزاینده بر میزان احساس عدالت در بین افراد می‌باشند، و اما متغیرهای احساس بیگانگی (با ضریب (نیز با ضریب ۰/۰۹-) و منطقه مسکونی (نیز با ضریب ۰/۰۹-)» دارای تأثیر کاهنده بر میزان احساس عدالت می‌باشند.

فورمن^۳ (۲۰۱۶) نشان داد که احساس برخورداری از منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، احساس برخورداری از خدمات اجتماعی به صورت عادلانه، احساس پذیرش اجتماعی، احساس برخورداری از حمایت دولت در مواقع بحران و یا خشکسالی و سیاست‌ها و برنامه‌های ساماندهی جوامع روستایی از متغیرهای تأثیرگذار در بهبود احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی محسوب می‌شود.

۱- ۲- نظریه‌های دینداری

دورکیم نظریه پردازی است که بیشترین تأثیر را بر جامعه شناسی دین داشته است. وی برای شناخت همه ادیان بشری به ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین صورت دین توجه می‌کند (همیلتون ۱۳۸۹: ۱۷۱). وی نه به ماهیت دین بلکه به کارکردهای آن می‌پردازد و نقش دین در انسجام اجتماعی و جوامع سنتی را مهم قلمداد می‌کند (ریتزر ۱۳۸۳: ۲۳).

ویر از جمله جامعه شناسان کلاسیک است که بخش قابل توجهی از آثارش به دین اختصاص دارد. ویر از دو نوع دین شریعتی و رستگاری یاد می‌کند و یا از دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه سخن می‌گوید. او مصداق دین شریعتی را کنفوسیوس و یهودیت تلمودی می‌داند که مومنان در خدمت شرع مقدس‌اند و همراه با اهتمامات مناسکی در صدد سازگاری با دنیا هستند ولی در دین رستگاری مومنان اهتمامشان تماماً صرف آخرت و تاملات درونی می‌باشد. مصداق نزدیک دین رستگاری بودیسم و مسیحیت است که پیروان خویش را در تنش دائمی با دنیا قرار داده‌اند (فرونده ۱۳۷۵: ۱۹۱).

از نظر لنسکی دین عامل موثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می‌سازد. او برای سنجش این تأثیر گذاری به مهم‌ترین جنبه‌های دینداری یعنی «جهت گیری دینی»^۵ و «میزان درگیر بودن با گروه دینی»^۶ می‌پردازد. لنسکی دو جهت گیری راست کیشی^۶ و عبودیتی^۷ را در دین یهودی - مسیحی مهم قلمداد می‌کند. این دو جهت گیری به لحاظ فعال و منفعل بودن، پذیرش یا عدم پذیرش در دنیای مدرن و همچنین تأثیرات متفاوتشان بر الگوی فکر و عمل از هم متمایز اند. به اعتقاد لنسکی درگیر بودن گروه دیندار، از دو جنبه مشارکتی^۸ و معاشرتی^۹ برخوردار است که می‌تواند کم یا زیاد باشد. او بعد مشارکتی را از لحاظ میزان حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های رسمی و جمعی نهاد دین و بعد معاشرتی را از حیث داشتن پیوندهای دوستانه و عاطفی هم کیشان و اعضای کلیسای خود مورد توجه قرار می‌دهد (لنسکی، ۱۹۶۳: ۲۴).

رابرتسون اسمیت یکی از روانشناسان کارکردگرا معتقد است دین را نباید وسیله‌ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد بلکه باید آن را طریقه‌ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد نمود. ادیان باستانی جزئی از نظم عمومی اجتماعی خویش بودند که خدا و بشر را توأم در

بر می‌گرفتند. وی مذهب را تنها یک ترس مبهم و فرزند هراس و وحشت نمی‌داند بلکه آن را حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی جامعه نیز می‌داند و آنچه برای او مهم است عملکردهای دین است و نه باورداشته‌ها. به استدلال او عملکردهای دینی مانند تشریفات و مناسک اهمیتی بنیادی دارند و برای شناخت دین نخست باید شیوه‌های مردم را تحلیل کرد و نه باورداشته‌های آن‌ها را. به طور کلی به ادعای رابرتسون دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم‌کننده و دیگری برانگیزاننده، تنظیم‌کننده رفتار فردی برای خیر همگان و یا به سخن دیگر برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک جهت انسجام و احساس عدالت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

رادکلیف براون نیز همانند رابرتسون بر این عقیده است که عملکردهای مذهبی از باورداشت‌های دینی اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل است که وی با این قضیه کاری ندارد که آیا باورداشت‌ها حقیقت دارند یا خیر. به نظر او باورداشت‌ها واقعاً اهمیتی نداشته و تنها آنچه مردم درعمل انجام می‌دهند، اهمیت اساسی دارد. از این رو به نظر براون، باورداشته‌ها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند و می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم شده برخی احساسات‌اند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که بنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

چارلز گلاک و رادنی استارک طی دو دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا بودند. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵، به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداری پرداخت. هدف اصلی آنها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا ابعاد - جلوه‌گر می‌شود.

آن‌ها برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بُعد عمل به دو

بخش شاخص مناسکی و عبادی است (گلاک و استارک، ۱۹۷۰: ۵۴).

- بعد باور (اعتقادی): آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند

- بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند.

- بعد تجربی (عاطفی): تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد.

- بعد عاطفی: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بُعد دانش است.

- بعد پیامدی: این بُعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این که، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است (گلاک و استارک، ۱۹۷۰: ۵۸-۵۶).

کینگزلی دیویس معتقد است که تفاوت معناداری بین داوری و تبیین محقق با فهم کنشگر دینی مشاهده می‌شود. بنابراین نظریه‌پردازان جدید کارکردگرایی با اهمیت دادن بیشتر به کنشگر دینی و وارد کردن عنصر روانشناختی و تلفیق آن با نظریه کارکردگرایی، تبیین بهتری از دین ارائه داده‌اند. دیویس از این دست جامعه‌شناسان است. دیویس در کتابش تحت عنوان جامعه‌شناسی انسان به ارائه کارکردهای مثبت دین پرداخته و دین را به عنوان عامل انسجام بخش در جامعه می‌ستاید و اضافه می‌کند که افراد از طریق شرکت در مراسم دینی، وابستگی‌شان را به اهداف گروهی افزایش می‌دهند. دیویس از تمایز بین امر مقدس و نامقدس استفاده کرده و آنرا دارای خصلتی نمادین می‌داند (حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۶).

۲-۲. نظریه‌های احساس عدالت اجتماعی

مارکس^{۱۱} بر این اعتقاد بود که سرشت آدمیان در اصل نیک و شریف است و تمام

زشتی‌ها و پلیدی‌هایی که در جوامع بشری دیده می‌شود در نهایت امر به تاثیرات سود مالکیت خصوصی بر می‌گردد و همین نهاد اجتماعی است که موجبات حرص و آز و خودخواهی و استثمار و بیدادگری و زورگویی رافراهم می‌سازد و با در هم شکستن این نهاد انسان‌ها می‌توانند به آزادی برابری و عدل رهنمون گردند. نظریه نیازهای مارکس تحقق عدالت اجتماعی را زمانی میسر می‌دانست که افراد به لحاظ اقتصادی در شرایط برابر زندگی نمایند و این آر بدون توزیع مجدد ثروت امکان پذیر نیست سپس وی وجود عدالت اجتماعی را منوط به وجود عدالت اقتصادی می‌دانست (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۷۶).

منظور از عدالت اقتصادی این است که از آنجا که بسیاری از محرومیت‌ها و نابرابری‌ها ریشه در تعلق طبقاتی افراد دارند توزیع عادلانه امکانات جامعه میان طبقات مختلف اجتماع تحقق یکی از جنبه‌های عدالت است به عبارت دیگر باید منابع اقتصادی جامعه طوری توزیع شوند که هیچ شخصی به صرف نداشتن بضاعت مالی از رشد و پیشرفت در جامعه بازماند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۷۶).

به نظر هایک^{۱۱} دست یافتن به عدالت اجتماعی، مستلزم آن است که آحاد جامعه به گونه‌ای سازماندهی شوند که بتوان آن چه را که در جامعه تولید می‌شود به سهم‌های خاصی میان افراد یا گروه‌ها مانند گروه‌های مذهبی تقسیم نمود. به عبارت دیگر جامعه باید به سازمان هدف مند تبدیل گردد تا بتوان آرمان عدالت اجتماعی را تحقق بخشید (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۳).

کمپل^{۱۲} معتقد است که عدالت، یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که با اهمیتی عالم گیر در همه نظریه‌های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. اعتبار جهانی آن به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل‌ها و طرح‌های کاربردی انجامیده که دست یابی به تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوارتر ساخته است؛ از این رو، عدم توافق بسیاری در باره معنای عدالت و مصادیق اعمال عادلانه و ناعادلانه به وجود آمده است (غنی نژاد، ۱۳۷۲: ۸۶؛ به نقل از هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۳).

مک اینتایر^{۱۳} معتقد است که با استوار ساختن عدالت بر پایه مفهوم خیر مشترک چارچوبی برای صورتبندی مسائل و موضوعات مربوط به عدالت ایجاد نموده است مک اینتایر در این چارچوب اظهار می‌دارد: «... ما قادر به صورت بندی مقولاتی درباره شایستگی و نیازها

هستیم، در حقیقت این کار را در قالب مفهومی کلی از جامعه‌ای که بار دیگر تحت تأثیر یک مفهوم مشترک از خیر نهایی انسان قرار گرفته است و به همت تحقق مشترک خیر نهایی انسان جهت گیری می‌شود، انجام می‌دهیم (نیلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۲-۱۰۰).

از نظر مک اینتایر هرگز نمی‌توان عدالت اجتماعی را به عنوان عدالتی در نظر گرفت که صرفاً برای نفس خودش وجود دارد بلکه عدالت همیشه وسیله‌ای است در جهت رسیدن به خیر مشترک و با از بین بردن موانع برای مثال تبعیض نژادی و جنسیتی و تدارک منابع اختیار دهنده هدف عدالت را در اهدافی که خود تعیین کرده، یافت می‌شود. در حقیقت مک اینتایر با صورت بندی مجدد اندرز مارکس استنباطش از ماهیت عدالت اجتماعی را جمع بندی می‌کند که بنابر توانایی‌ها و نیازهای فردی و توانایی‌ها و نقش هر فرد د پیشرو خیر مشترک مشخص شده است. از نظر مک اینتایر تحقق عدالت اجتماعی منوط به بازگشت زمینه‌ای است که این چارچوب معنا و مفهومش را از آن می‌گیرد وی امیدی به بازگشت چنین زمینه‌ای در دولت‌های لیبرال ندارد چرا که در این دولت‌ها جامعه به گروه‌هایی تقسیم شده است که خود را درگیر نزاع‌های سازش ناپذیری در رابطه با ماهیت خیر نموده‌اند (پایا، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

راولز^{۱۴} معتقد است که برابری منصفانه فرصت‌ها مستلزم آن است که نه فقط باب مشاغل دولتی و مناسب اجتماعی به طور صوری به روی همگان گشوده باشد بلکه همگان باید از فرصت منصفانه دستیابی به آن‌ها برخوردار باشند در تعریف ایده فرصت منصفانه چنین می‌گوییم: با فرض اینکه توزیعی از مواهب فطری وجود دارد آن‌هایی که استعدادها و توانایی‌های یکسانی و اشتیاق یکسانی به کاربرد این مواهب دارند باید چشم اندازه‌های موفقیت یکسانی داشته باشند فارغ از طبقه اجتماعی خاستگاهشان طبقه‌ای که در آن متولد می‌شوند و تا بلوغ عقلانی در آن پرورش می‌یابند باید در تمام بخش‌های جامعه کسانی که انگیزه‌ها و استعدادها یکسانی دارند چشم اندازهای آموزش و موفقیت نسبتاً یکسانی داشته باشند (پایا، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

راولز در بحث عدالت بین المللی نیز اصل وضع نخستین را، که متضمن شرایط بی طرفی است، به کار می‌برد. پس از آن که اصول عدالت در جامعه مشخص شد، نمایندگان دولت‌ها باز در پس پرده جهل با هم ملاقات می‌کنند، یعنی در شرایط بی اطلاعی از اوضاع

خاص و توانایی‌های کشور خود. البته آنان برای تصمیم‌گیری درباره پاسداری از منافع خود شناختی اولیه دارند، لیکن نمی‌باید از وضع خاص خود چنان مطلع باشند که در تصمیمات آن را در نظر بگیرند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

به نظر راولز می‌توان استنباط کرد که «حسن نیت افراد (حاضر در وضع نخستین) دست کم شامل حال دو نسل از اعقابشان می‌شود». مشکل اصلی از نظر راولز این است که هیچ ملاکی برای تعیین میزان درست و عادلانه توجه نسل حاضر به نسل آینده در دست نیست. علت اصلی این است که نسل حاضر به اعقاب خود تعهدی ندارد، بلکه فقط بر طبق عدالت به منزله انصاف می‌توان با آیندگان رفتاری عادلانه داشت (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

مایکل والزر^{۱۵} با بهره‌گیری از اصل حرمت تفاوت راولز تلاش نمود آن را بسط داده و برخلاف نظریه وحدت‌گرایانه عدالت راولز، نظریه‌ای تنوع‌پذیر از عدالت اجتماعی ارائه دهد. والزر اصل تفاوت راولز را زمانی امکان‌پذیر دانست که انحصار ثروت در حوزه‌های مختلف زندگی شکسته شود. راه‌حل والزر برای شکستن این انحصار مفهوم برابری پیچیده بود. برابری پیچیده به این امر اشعار دارد که یک جامعه از حوزه‌های مختلف مانند خانواده، فرهنگ، اقتصاد، سیاست تشکیل شده است. هر حوزه دارای موهبتی اجتماعی است که مبدل به معیار مسلط درون محدوده آن حوزه می‌شود. حال اگر معیار هر حوزه اجتماعی درون حوزه خود محدود شود و مرز حوزه‌ها از هم بازشناخته شوند، می‌توان از برابری درون هر حوزه اجتماعی بحث کرد؛ اما معمولاً حوزه‌ها از طریق معیارهای (موهبت اجتماعی مسلط) خود در پی سلطه بر دیگر حوزه‌ها هستند. سلطه فقط زمانی منتفی می‌شود که مواهب اجتماعی به دلایلی متمایز و درونی توزیع شوند. در این نگاه عدالت توزیعی هنر تفاوت‌گذاری و تفکیک است (مجیدی و امیدی، ۱۳۹۷: ۲۰).

والزر در تعریف صوری «برابری پیچیده» چنین می‌گوید: جایگاه هیچ شهروندی را در یک حوزه یا در نسبت با یک موهبت اجتماعی نمی‌توان با استناد به جایگاه او در حوزه‌ای دیگر و در نسبت با دیگر مواهب اجتماعی تضعیف کرد... هیچ موهبت اجتماعی مانند x را نباید در میان افرادی توزیع کرد که موهبت اجتماعی دیگری مانند y را دارند صرفاً به این علت که آن‌ها y را دارند، بی‌توجه به معنای x برابری پیچیده تسهیم یا تقسیم نمی‌کند، بلکه راهنمای ما در مطالعه معنای مواهب اجتماعی و نیز در بررسی درونی

حوزه‌های متفاوت توزیع است (والزر، ۱۳۹۴: ۵۱). عدالت والزر مفهومی است برگرفته از ادراک افراد در جوامع خاص. هر جامعه‌ای بر اساس سنت، تاریخ، فرهنگ، شرایط زمانی و مکانی خود جامعه‌ای خاص است و موجب ادراک احتمالاً متفاوتی از معیار عدالت در میان مردمان خود می‌شود. البته انسان‌ها حقوقی ورای حق حیات و آزادی دارند، اما این حقوق به خاطر اشتراک آنان در انسان بودن نیست، بلکه نتیجه برداشت‌های مشترک از مواهب اجتماعی است. در نتیجه عدالت یک برساخته بشری است و بعید است بتوان آن را فقط و تنها به یک شیوه ساخت (والزر، ۱۳۹۴: ۲۷).

۳- چارچوب نظری پژوهش

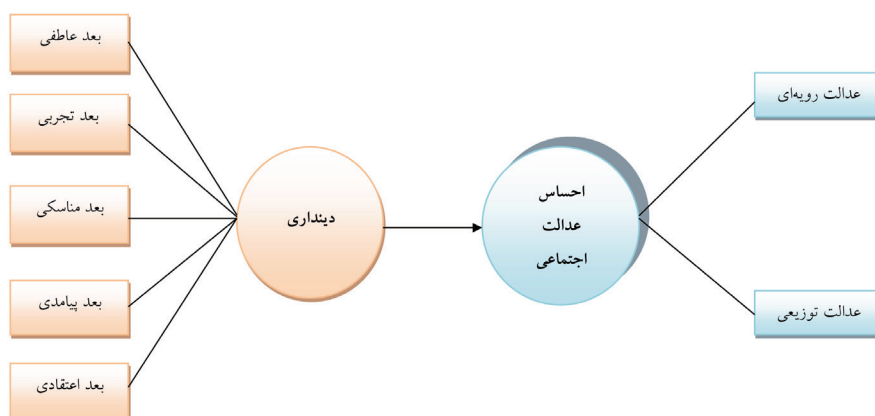
از نظر رابرتسون عملکردهای دین است و نه باورداشتها. به استدلال او عملکردهای دینی مانند تشریفات و مناسک اهمیتی بنیادی دارند و برای شناخت دین نخست باید شیوه‌های مردم را تحلیل کرد و نه باورداشت‌های آن‌ها را. به طور کلی به ادعای رابرتسون دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم کننده و دیگری برانگیزاننده، تنظیم کننده رفتار فردی برای خیر همگان و یا به سخن دیگر برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک جهت انسجام و احساس عدالت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می‌شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۰). رادکلیف براون نیز همانند رابرتسون بر این عقیده است که عملکردهای مذهبی از باورداشت‌های دینی اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل است که وی با این قضیه کاری ندارد که آیا باورداشت‌ها حقیقت دارند یا خیر. به نظر او باورداشت‌ها واقعاً اهمیتی نداشته و تنها آنچه مردم در عمل انجام می‌دهند، اهمیت اساسی دارد. از این رو به نظر براون، باورداشت‌ها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک‌اند و می‌توان گفت که مناسک بیان نمادین و تنظیم شده برخی احساسات‌اند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که بنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

به نظر هایک دست یافتن به عدالت اجتماعی، مستلزم آن است که آحاد جامعه به گونه‌ای سازماندهی شوند که بتوان آن چه را که در جامعه تولید می‌شود به سهم‌های خاصی میان افراد یا گروه‌ها مانند گروه‌های مذهبی تقسیم نمود. به عبارت دیگر جامعه باید به

سازمان هدف مند تبدیل گردد تا بتوان آرمان عدالت اجتماعی را تحقق بخشید (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۳).

بنابراین از نظریه‌های رابرتسون، رادکلیف براون و هایک این فرضیه اصلی استخراج می‌شود که:

- بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی ارتباط وجود دارد.
- با توجه به ابعاد دینداری در نظریه گلاک و استارک با ابعاد مختلف اعتقادی، پیامدی، مناسکی، تجربی و عاطفی، این فرضیه‌های فرعی استخراج می‌شوند که:
- بین بعد اعتقادی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.
- بین بعد پیامدی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.
- بین بعد مناسکی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.
- بین بعد تجربی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.
- بین بعد عاطفی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی رابطه بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی در شهر بندرعباس می‌باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می‌باشد.

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. در مطالعه میدانی، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بندرعباس می‌باشد. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر بندرعباس ۵۲۶۶۴۸ نفر می‌باشد و جمعیت شهروندان ۱۸ سال به بالای آن به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر حدود ۴۲۰ هزار نفر است. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه نمونه گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 420000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{420000} \left(\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه گیری خوشه‌ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و PLS Smart انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد. در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و

کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می باشد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرون باخ

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
هویت ملی	بعد اعتقادی	۰/۸۵۲
	بعد پیامدی	۰/۷۹۳
	بعد مناسکی	۰/۸۴۲
	بعد تجربی	۰/۷۲۱
	بعد عاطفی	۰/۷۲۵
احساس عدالت اجتماعی	عدالت رویه‌ای	۰/۸۲۵
	عدالت توزیعی	۰/۸۱۴

۱- ۴- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

احساس عدالت اجتماعی

تعریف مفهومی: عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند (پایا، ۱۳۸۱: ۷۶).

تعریف عملیاتی: احساس عدالت اجتماعی در این پژوهش با شاخص‌های احساس عدالت رویه‌ای و احساس عدالت توزیعی بررسی شده است.

دینداری

تعریف مفهومی: «دین» در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. و در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان

دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰ □ ۱۹).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر دینداری با شاخص‌های در پژوهش حاضر دینداری با شاخص‌های بعد اعتقادی، بعد پیامدی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد عاطفی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۵- یافته‌ها

۱- ۵- آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۴/۱۶ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۴۵/۸۴ درصد دیگر را مرد تشکیل داده‌اند.

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۵۹/۹۰ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۴۰/۱۰ درصد دیگر مجرد می‌باشند.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می‌دهد که میزان ۰/۲۳ از پاسخگویان دارای سواد زیر دیپلم و دیپلم، ۰/۲۸ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی، ۰/۴۰ پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و ۰/۹ پاسخگویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۱۶ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۶ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۸ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

آمار توصیفی متغیر دینداری و ابعاد آن

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب دینداری و ابعاد آن

مؤلفه‌های دینداری	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
اعتقادی	۸	۲/۰۸	۱۴	۳/۶۵	۹۵	۲۴/۷۴	۱۴۴	۳۷/۵۰	۱۲۳	۳۲/۰۳	۳/۹۳
پیامدی	۴۴	۱۱/۴۵	۶۶	۱۷/۱۹	۱۲۱	۳۱/۵۱	۱۱۰	۲۸/۶۵	۴۳	۱۱/۲۰	۳/۱۱
مناسکی	۴۲	۱۰/۹۴	۷۹	۲۰/۵۷	۱۶۴	۴۲/۷۱	۶۹	۱۷/۹۶	۳۰	۷/۸۱	۲/۹۲

تجربی	۱۶	۴/۱۶	۳۷	۹/۶۳	۱۲۸	۳۳/۳۳	۱۴۱	۳۶/۷۱	۶۲	۱۶/۱۵	۳/۵۱
عاطفی	۱۹	۴/۹۵	۵۴	۱۴/۰۶	۱۲۳	۳۲/۰۳	۱۱۰	۲۸/۶۵	۷۸	۲۰/۳۱	۳/۴۵
میزان کل دینداری	۳/۳۳										

جدول شماره ۲ مربوط به متغیر دینداری و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های دینداری بیشترین میانگین مربوط به بعد اعتقادی (۳/۹۳) و کمترین میانگین مربوط به بعد مناسکی (۲/۹۲) می‌باشد. میانگین بعد پیامدی (۳/۱۱)، بعد تجربی (۳/۵۱) و بعد عاطفی (۳/۴۵) و میانگین کلی دینداری نیز (۳/۳۳) می‌باشد که میزان آن بالاتر از متوسط است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب احساس عدالت اجتماعی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه‌های
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	احساس عدالت اجتماعی
۳/۲۳	۱۳/۲۸	۵۱	۲۳/۴۴	۹۰	۴۱/۶۶	۱۶۰	۱۶/۴۱	۶۳	۵/۲۰	۲۰	عدالت توزیعی
۳/۱۴	۱۲/۵	۴۸	۲۷/۳۵	۱۰۵	۲۵/۲۶	۹۷	۳۱/۵۱	۱۲۱	۳/۳۸	۱۳	عدالت رویه‌ای
۳/۱۸											میزان کل احساس عدالت اجتماعی

جدول شماره ۳ مربوط به متغیر احساس عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که میانگین احساس عدالت توزیعی (۳/۲۳) و احساس عدالت رویه‌ای (۳/۱۴) و میانگین کلی احساس عدالت اجتماعی نیز (۳/۱۸) می‌باشد که میزان آن کمی بالاتر از متوسط است.

۲ - ۵- آمار استنباطی

۱ - ۲ - ۵- بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط

نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می‌شود.

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند: H_0

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند: H_1

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

احساس عدالت	بعد عاطفی	بعد تجربی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد اعتقادی	خرده مقیاس‌ها
						شاخص‌ها
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد
۲/۱۲	۳/۶۰	۳/۰۱	۲/۵۴	۲/۹۸	۲/۷۰	مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف
۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۰۸۳	۰/۰۹۷	۰/۱۲	۰/۰۸۸	سطح معناداری (دو دامنه)

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمونهای پارامتریک را بکار گرفت.

۲ - ۵ - آزمون فرضیه‌ها

- بین دینداری و ابعاد مختلف آن (بعد اعتقادی، بعد پیامدی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد عاطفی) با احساس عدالت اجتماعی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین دینداری و ابعاد مختلف آن (بعد اعتقادی، بعد پیامدی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد عاطفی) با احساس عدالت اجتماعی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۵. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

نام متغیر	شاخص‌ها	احساس عدالت اجتماعی	
		ضریب همبستگی	سطح معناداری
دینداری	اعتقادی	۰/۴۲	۰/۰۰۰
	پیامدی	۰/۶۲	۰/۰۰۰
	مناسکی	۰/۳۷	۰/۰۰۰

تجربی	۰/۲۸	۰/۰۰۰
عاطفی	۰/۲۶	۰/۰۰۱
میزان کل دینداری	۰/۳۶	۰/۰۰۰

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد دینداری و همچنین میزان کل آن با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد اعتقادی دینداری و رضایت اجتماعی ($P=0/42$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد عاطفی دینداری و احساس عدالت اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/2$) می‌باشند.

همچنین رابطه بین بعد مناسکی دینداری ($P=0/37$)، بعد پیامدی دینداری ($P=0/32$) و بعد تجربی دینداری ($P=0/28$) با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان دینداری ($P=36$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

۳-۲-۵- مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

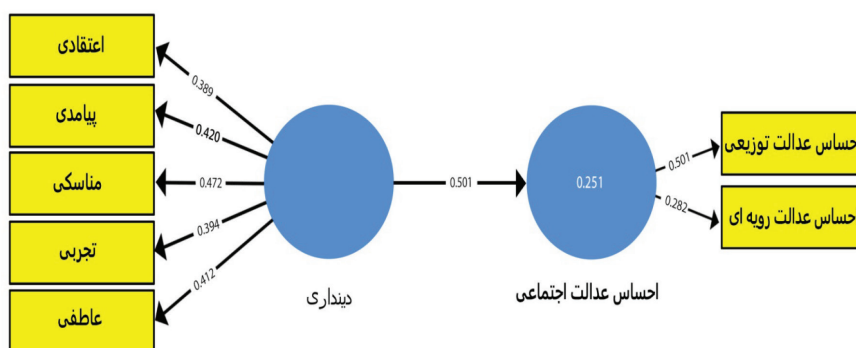
به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف دینداری بر احساس عدالت اجتماعی شهروندان ساکن در شهر بندرعباس از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل‌های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می‌شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله‌ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص‌های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده‌های تجربی در مجموع حمایت کننده مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر LISREL، AMOS و EQS) فاقد شاخص‌های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده‌های گردآوری شده می‌باشد، این امر به ماهیت پیش‌بین محور PLS بستگی دارد. بنابراین شاخص‌های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته‌اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته

می‌شوند؛ مانند شاخص‌های افزونگی^{۱۶} و حشو^{۱۷} یا شاخص GOF می‌باشد. در واقع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که برای مدل اندازه‌گیری معرف‌ها تا چه حد توانایی پیش‌بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برون‌زا تا چه حد و با چه کیفیتی توانایی پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر دینداری بر احساس عدالت اجتماعی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر دینداری بر احساس عدالت اجتماعی



جدول ۴. برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۰	۰/۰۸۵	۰/۹۲

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵. برآورد اثر متغیر دینداری بر احساس عدالت اجتماعی

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
دینداری	<---	احساس عدالت اجتماعی	۰/۲۵	۰/۵۰۱	1/2	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: ۱) متغیر دینداری در مجموع ۰/۵۰۱ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۵) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر هویت ملی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی شهروندان را دارد. ۲) اثر متغیر دینداری بر احساس عدالت اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر هویت ملی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر هویت ملی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان هویت ملی می‌تواند در حد متوسط منجر به تقویت احساس عدالت اجتماعی شهروندان گردد.

۶- نتیجه گیری

همان طور که ذکر شد عدالت فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود.

با توجه به اهمیت بحث از ارتباط بین دینداری با احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس در پژوهش حاضر که در میان ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر بندرعباس به عنوان حجم نمونه به انجام رسید، به بررسی ارتباط بین دینداری با ابعاد بعد اعتقادی، بعد پیامدی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد عاطفی به عنوان متغیر مستقل و احساس عدالت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد دینداری و همچنین میزان کل آن با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بندرعباس رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد اعتقادی دینداری و رضایت اجتماعی ($P = ۰/۴۲$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد عاطفی دینداری و احساس عدالت اجتماعی

دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/2$) می‌باشند. همچنین رابطه بین بعد مناسکی دینداری ($P=0/37$)، بعد پیامدی دینداری ($P=0/32$) و بعد تجربی دینداری ($P=0/28$) با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان دینداری ($P=36$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان احساس عدالت اجتماعی شهروندان بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری Smart PLS نیز نشان می‌دهد که دینداری بر احساس عدالت اجتماعی تأثیر متوسط داشته ($0/501$) و متغیر دینداری در مجموع $0/25$ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی با یافته‌های پژوهش‌های بهرامی نژاد و جمالی زاده (1397)، طالبان و میرحسینی (1395) و هزارجریبی (1390) همخوانی دارند. آن‌ها در پژوهش‌های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی پرداخته‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دینداری و احساس عدالت اجتماعی با تئوری‌های دینداری همخوانی دارد. هرکدام از نظریه پردازان فوق در نظریه‌های خود نشان دادند که دینداری باعث افزایش احساس عدالت اجتماعی افراد می‌شود که تأیید کننده نتایج این پژوهش است.

بنابراین مشاهده می‌شود که دینداری نیز عامل بالا رفتن احساس عدالت اجتماعی در جامعه می‌باشد. در این راستا می‌توان به این نتیجه رسید که دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع آن به دلیل ماهیت جمعی فراوانی که دارد می‌تواند نقش بسیار مهمی در افزایش احساس عدالت اجتماعی ایفا نماید. انواع مراسم و مناسک‌های مذهبی که در ماه‌های مختلف سال و به مناسبت‌های مهم برگزار می‌گردد یکی از مزایایی است که استفاده مطلوب از این پتانسیل می‌تواند از طریق افزایش همبستگی، انسجام و مشارکت سطح احساس عدالت اجتماعی را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد.

علاوه بر این، شیوه‌های ارتباط افراد در سطح اجتماع با یکدیگر از جمله مسائلی است که دین اسلام بر آن تأکید داشته است و این توصیه‌های دینی در ارتباط با پذیرش اجتماعی

می‌باشد و افراد دارای این ویژگی، روابط اجتماعی بیشتری داشته و بیشتر به اطرافیان اعتماد می‌کنند. همچنین، نقش فعالیت مذهبی در پذیرش اجتماعی بدین دلیل می‌تواند باشد که فعالیت دینی موجب افزایش روابط افراد، اعتماد به یکدیگر و کوشش بیشتر برای بهبود وضعیت احساس عدالت اجتماعی است؛

دین اسلام از طریق تأکید بر ارزش‌های کلی و دسترسی پذیر یعنی ارزش‌هایی چون رستگاری و یا توجیه رنج، ناکامی و محرومیت و نظایر آن، سازمان اخلاقی جامعه را حفظ می‌کند و بنابراین موجب پیوند اعضای جامعه و همبستگی اجتماعی می‌شود. بنابراین دین اسلام دارای پتانسیل‌های بالایی در جهت احساس عدالت اجتماعی هستند و مناطق حاشیه‌ای نیز مکان‌هایی هستند که از این پتانسیل برخوردارند تا از طریق ابعاد مختلف دینداری زمینه‌های بالا بردن احساس عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف را برای افراد فراهم سازد.

منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: نشر نی.
- پایا، علی (۱۳۸۱) *جان راولز نظریه پرداز انصاف و عدالت*. کتاب ماه ادبیات و فلسفه.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی. *دانش مدیریت*. شماره ۵۵.
- جمشیدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). *نظریه عدالت*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۴). *بررسی رابطه دینداری با رضایت از زندگی در بین زنان شهر اصفهان*. سومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی. تهران: موسسه اطلاع رسانی نارکیش.
- حیدرخانی، هابیل؛ نوربخش، یونس و قنبری، نوذر. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین دینداری در ابعاد مختلف و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۳۰، بهار، ۶۶-۳۱.
- حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی (مورد شناسی: شهرستان اردبیل). *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، شماره ۲۸، پاییز. ۹۱-۱۱۰.
- خداحیمی، سیامک و جعفری، سیدغلامعلی. (۱۳۷۷). مقاله روان‌رمانی مذهب (نقش مذهب بر فرآیندهای بهداشت روانی و روان‌رمانی در روانشناسی بالینی). *تازه‌های روان درمانی*، شماره ۷ و ۸.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۹). *نظریه‌های جامعه شناسی معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- فروند، ژولین. (۱۳۷۵). *شناسایی مکس وبر*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- طالبان، محمدرضا و میرحسینی، مهسا. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری

- و سوگیری ایدئولوژیک. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی* دوره سوم بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۷.
- مجیدی، حسن؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی الگوی عدالت از منظر شهید مرتضی مطهری و مایکل والزر. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال ۱۴، شماره پیاپی ۲۸، ۳۴ - ۱.
- نوایی، محمود و دیگران. (۱۳۹۲). احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۴۹.
- نیلی، مسعود و دیگران. (۱۳۸۶). *اقتصاد و عدالت اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- والزر، مایکل. (۱۳۹۴). *حوزه‌های عدالت. در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری*. ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر ثالث.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، ۶۲-۴۱.
- همیلتون، ملک. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: تبیان.
- Furman, G. (2016). Social Justice Leadership as Praxis: Developing capacities through preparation programs, *Educational Administration Quarterly*. 48 (2). 191-229.
- Glock C. and Stark, R. (1970). *Religion and Society in Tension*, US, Rand McNally & Company.
- Lenski. G. (1963). *The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics. Economics, and Religious Life*, Rev. ed. Garden City, N.Y.: Doubleday, Anchor
- Puhakka, A. (2001). *A Study of Rawls' Theory of International Justice*, Master's Thesis, University of Joensuu Faculty of Social Sciences Department of Social Policy.
- Sawatzky, R., Ratner, P. A., & Chiu, L. (2005). A metaanalysis of relationship between spirituality and quality of life. *Social Indicators Research*, 72: 153-188.
- Sorek, Tamir and Alin M. Ceobanu. (2009). Religiosity, National Identity and Legitimacy: Israel as an Extreme Case. *Sociology* 43: 477-496.
- Wasserman, Ira & Trovato, Frank (1996) *The Influence of Religion on Smoking and Alcohol Consumption (Alberta Case Study)*, *International Review of Modern Society*, Vol.26(Autumn): No.2: 43-56.
- Wilson, M (2015), Education for social justice in rural Nepal: towards an integrated theoretical framework and operational research strategy for supporting intervention, *Journal of Philosophy of Education*, 2 (6), 112- 145.

1. Sawatzky
2. Wasserman & Trovato
3. Furman
4. Religious Orientation
5. Degree Of Group Invoinvolvement
6. Orthodoxy
7. Devotionalism
8. Association
9. Communal
10. Marx
11. Hayek
12. Campbell
13. McIntyre
14. Rawls
15. Walzer
16. Communality
17. Redundancy